



«به نام آفرینشگر زندگانی»

برخی پرسش های درس آیین زندگانی «دانشگاه شریف - ۱۴۰۲»

(۱) با استفاده از اصول و قوانین ریاضی و فیزیک موارد زیر را ثابت کنید:

الف- هستی، فقط ماده و انرژی نیست.

ب- «خودآی» (واجب الوجود) وجود دارد.

ج- موجوداتِ فیزیکی (ماده، انرژی،...) توسط خودآی ایجاد شده اند.

پاسخ: می بایست با استفاده از موارد زیر (به صورت تحلیلی) به طریقی که در کلاس گفته شد پاسخ داده شود:

(لوازم اثبات: مثال اسب ها+ قانون ماده و انرژی + گزاره شرطی + عکس نقیض گزاره شرطی + سور عمومی + سور وجودی)

(۲) تعریف موجود زنده و شرح ویژگی های شش گانه ی آن در علوم تجربی.

پاسخ:

موجود زنده به موجودی گفته میشود که شش ویژگی زیر را داشته باشد:

(۱) پیامرسانی سلولی Cell Signalling

(۲) رشد با دریافت ماده و انرژی از محیط

(۳) تبدیل انرژی

(۴) سوخت و ساز

(۵) واکنش به محرک ها

(۶) همانندسازی

(۳) بیان مفاهیم زندگی، زنده مانی، زندگانی و تفاوت آنها.

پاسخ:

زنده مانی: مجموعه فعالیت سامانه ی زنده برای «باقی ماندن و دوام فرآیندهای شش گانه ی زیستی» را زنده مانی گوئیم.

هر کنش یا واکنش رفتاری که صرفاً برای انجام یکی از موارد شش گانه بالا باشد جزو زنده مانی است.

زندگی: از ترکیب واژه ی «زنده» و «یای نسبت» به وجود آمده و از آنجاکه مفرد است، میتوان برای تاکید بر «شبکه ای و وابسته بودن حیات در ساختار بیکران هستی» با تکیه بر مفرد بودن واژه ی زندگی چنین گفت که یکمفهوم اصطلاحی و انتزاعی است و در عالم واقع و به تنهایی وجود ندارد مگر در حالتی که زندگان دیگری وجود داشته باشند که برای ادامه حیات به یکدیگر کمک و تعامل سیستمی داشته باشند.

زندگانی: از ترکیب واژه ی «زندگان» و «یای نسبت» به وجود آمده و از آنجاکه جمع است، معنایی واقعی است که اشاره به حیات موجودات زنده است که تحت شبکه ای جامع و کلی از مجموع موجودان زنده ی دیگر شکل گرفته است.

۴) تعریف سامانه (سیستم) و شرح ویژگی‌های آن در مدیریت سیستمی.

پاسخ:

سیستم یا سامانه: مجموعه‌ای از اجزای مرتبط که برای انجام وظیفه‌ای معین، به طور هماهنگ، در کنش-واکنش نسبت به محیط، اقدام می‌کنند. سامانه متشکل از هفت بخش اساسی و ضروری است که بدون هریک از آنها جامعیت نخواهد داشت: محیط (environment)-مرز (border)-خروجی (output)-هدف (Goals)-بازخورد (feedback)-ورودی (input)-فرآیند (process)

۵) تعریف رایج جامعه و اجتماع چیست؟ دیدگاه انتقادی نسبت به این دو تعریف چیست؟

پاسخ:

نگاه صرفاً مادی به «وجود انسان» و در نتیجه، نگرش «کمیتی» به مفهوم دو واژه‌ی (Communiunity) و (Society) باعث شده که برخی مترجمان پیشین، گروه پرشمارتر انسانها (مثلاً جمعیت یک کشور) را به علت بیشتر بودن تعداد اعضایش و پیچیده تر بودن روابطش و حجیم تر بودن منابع و منافع و ... «جامع» تر بپندارند و بنابراین واژه‌ی Society را به عنوان «جامعه» و Communiunity را به عنوان «اجتماع»^۱ یعنی گروههای کوچکتر (مثلاً روستا) تالیف و ترجمه نمایند. و بر مبنای همین دیدگاه گفته اند:

«جامعه بزرگترین شمار افراد انسانی است که برای تامین نیازهای اجتماعی شان در کنش متقابل اند و همگی در یک فضای مشترک فرهنگی به سر می برند».

- در حالی که از دیدگاه «کیفی» و با باور به فرامادی بودن مفهوم انسان، آن جمعی از انسانها جامع تر است که به اهداف وجودی خود نزدیکتر و در کمال فلسفه‌ی وجودی خود موفق تر باشد. یعنی بتواند علاوه بر وجود ارتباطات ضروری برای تبادل داده و ستانده های مختلف، عاطفه و تعلق عمیقی با دیگر اجزا و اعضای آن جمع انسانی نیز داشته و آنها را متعلق به خود و خود را متعلق به آنها بداند تا در ادامه ی زندگی در بازه ی فرامادی موفق باشد. چنین جمعی با چنین ویژگی هایی در دستیابی به اهداف کلی تر انسانی یعنی تامین موفقیت در «زندگی مادی + زندگی فرامادی» جامع تر و به مفهوم «جامعه» نزدیکتر است و جامعه شبکه ای از انسان هاست که از حیث اهداف صحیح انسانی جامع باشد و این هدف «زندگانی متعالی، کمالی و سودمند در تعامل با جمیع زندگان سه گانه» استکه عبارتند از خود، خدا، خلقت.

- هرچند که حسب قاعده (و در شرح وضع موجود) در گروه های پرشمار انسانی (Society) به سبب جمعیت بیشتر، خواه ناخواه انسان ها ناگزیر به قانونگذاری های پیچیده تر و قاعده مندی و خط کشی های بیشتری در روابط جمعی خود می‌شوند که این انتظام ناگزیر شاید مزیتی خود به خودی نسبت به گروه های کم شمارتر (Communiunity) باشد. هرچند از دیدگاهی دیگر شاید بتوان گفت که نه مزیت قطعی، بلکه صرفاً از عوارض و ملزومات یک گروه پرشمار برای بهبود اداره ی آن باشد.

در یک نگاه ساده و کلی به این دو مفهوم می توان گفت مزیت (Communiunity) بر (Society) کیفیت روابط عاطفی و وجود تعلقات میان اعضای گروه و مزیت (Society) بر (Communiunity) نیز، کمیت روابط قانونی و تعدد نظم و انتظام هاست.

بدیهی است وضعیت آرمانی و حالت بهینه برای یک گروه انسانی مفروض، هنگامی است که تعلق و عاطفه‌ی (Communiunity) در گروه برقرار و نظم و انتظام (Society) در آن حاکم باشد.

امام علی ابن ابی طالب در این باره میفرماید: «تعاملوا کالاجانب، تعاشرُوا کالاخوان».

مانند بیگانگان (اعضای گروه پرشماری از انسان ها که یکدیگر را نمی شناسند)^۲ با هم تعامل و داد و ستد کنید و مانند برادران (اعضای یک گروه کم شمار خانواده گونه)^۳ با هم رفتار و معاشرت کنید.

^۱ Communiunity

^۲ Society

^۳ Communiunity

۶) منابع چهارگانه ی دانش انسان «برای مدیریت زندگانی» را تشریح و ضعف و قوت هایشان را با هم مقایسه کنید:

پاسخ:

رای	صحت رای	مدیریت جامعه	عدالت	قدرت
فردی	حداکثر تنوع و اختلاف، حداقل صحت و دقت	حداکثر آشوب و هرج و مرج حداقل نظم و قاعده مندی	وجود ندارد. چون ساختار مقایسه اطلاعات جمعی وجود ندارد	قدرت هر فرد به اندازه توانایی و امکانات شخصی او
جمعی (اکثریت)	احتمال صحتش بیش از رای فردی است. اما منطقی وجود ندارد که ثابت کند همیشه نتیجه رای اکثریت درست تر از رای اقلیت است.	چون اکثریت قدرت بیش از اقلیت دارد، در مدیریت جامعه و تحمیل رای خود بر آرای مخالف (اقلیت) دست برتر و مسلط تر دارد	تضمینی نیست که اکثریت برای نفع خود علیه حقوق یک یا چند اقلیت رای گیری و اقدام نکند. (مثال: آپارتاید علیه سیاهپوستان)	اکثریت، به سادگی می تواند با اعمال قدرت برتر، منافع ناحق خود را تامین، و منافع برحق یک اقلیت را نقض کند.
نخبگانی (متخصصان)	نتایج رای ایشان همیشه دقیق تر از نتایج آرای اکثریت غیرمتخصص است اما به علت نقص ذاتی دانش بشر با آزمون خطا رو افزون شده و در بستر زمان در نقص مداوم است.	اگر نخبگان، حداکثر توان نخبگانی خود را به بهترین وجه ممکن کار گیرند، آنگاه مدیریت امور نسبت به مدیریت با «آرای همگان غیرمتخصص» مسلط تر و دقیق تر است.	تضمینی نیست که شبکه ی نخبگان حاکم (نظامیان، معماران، دانشمندان) برای تامین منافع خود، اکثریت غیرمتخصص را استثمار و از ایشان بهره کشی نکند. (مثال: فراعنه، امپراطورها، شاهان،...)	نسبت به غیرنخبگان امکان قدرتمندتری در برقراری ساختارها و گسترش امکانات مدیریت و مهار جامعه دارند و دانش و ابزار را به شکل دقیق تر و موثرتر به کار می گیرند.
آفریننده	کمال صحت	کمال دانش = کمال مدیریت	عادل مطلق است. (منافع مشترک یا متضاد ندارد. صرفاً خیرخواه است)	قدرت مطلق برقراری عدالت مطلق

۷) یک گام بندی و جامع منظم برای پیاده سازی «مدیریت سیستمی زندگانی» پیشنهاد فرمایید.

پاسخ: ابتدا عناصر سیستم زندگانی خود را تعریف و مشخص می کنم:

- ۱- **محیط:** با برخی قواعد اصول ریاضی و فیزیک (اصل بقای ماده و انرژی، گزاره شرطی و عکس نقیضش، سور عمومی و وجودی) موارد زیر را به خود اثبات می کنم:
الف- هستی از غیرماده و ماده تشکیل شده.
ب- خودآی وجود دارد و غیرماده است و پیش از هرچیز بوده و همه چیز را (و مرا) به وجود آورده (آفریده).
- ۲- **مرز:** ارتباط این محیط با عناصر داخلی سیستم از طریق پیامبر و جانشینانش با من برقرار شده است.
- ۳- **اهداف سیستم:** روش موثر برای موفقیت من در زندگانی از مسیر ارتباطم با محیط و از مرز دریافت شده (دین).
- ۴- **ورودی - خروجی ها:** وجود من از دو بخش تشکیل شده: «تن و من». برای این دو بخش، طبق آنچه که در متن اهداف هست، فهرست کاملی از کل ورودیها و کل خروجیهای «من» و «تن» را به طور دقیق تعریف و تدوین می کنم. (مثلاً یکی از ورودیهای تن: خوراک و یکی از ورودیهای من: دانش ها یا باورهای دریافتی است).
- ۵- **بازخورد:** برای هر یک از خروجیهای وجود (صادره از من و تن) طبق آنچه که در متن اهداف (دین) درج شده، بازخورد (کنترل) تعریف می کنم.
- ۶- **فرآیند:** برای اینکه بتوانم با دریافت هر ورودی، خروجی حاصل از آن (افکار، رفتار، گفتار، دستاوردها و ...) را تهیه و تولید کنم، مورد به مورد فرآیند یا فرآیندهای لازم را تعریف و سپس برنامه ریزی و اقدام می کنم.

۸) مفهوم تمرکز در حیوان و انسان و ارتباط آن با مفهوم «زندگانی در جامعه».

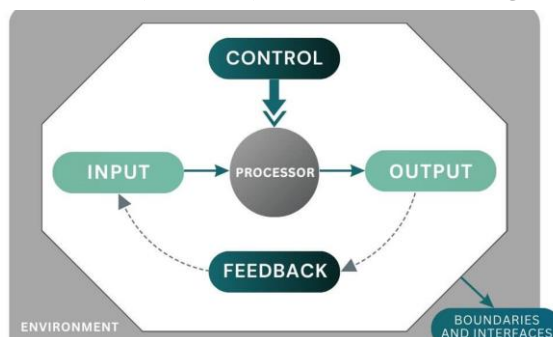
پاسخ: حیوان هنگام برآوردن نیازهای خود، بر همان چیزی که خود می‌خواهد تمرکز می‌کند و توجهی ندارد که برآورده شدن خواسته‌ی او چه تاثیری بر دیگر عناصر موجود در شبکه‌ی سیستمی هستی (انسان، حیوان، گیاهان، جمادات...) می‌گذارد. مانند حیوان علفخواری که برای خوردن یک گیاه از عرض جاده گذر می‌کند بدون اینکه توجه داشته باشد که این حرکت او بر دیگران (مثلاً رانندگان خودروهای گذری) چه تاثیر یا آسیبی خواهد داشت. به این حالت که حیوانات برای برآوردن خواسته‌های خود صرفاً بر همان فرآیند درونی خود تمرکز دارند و حواسشان را بر مجموع نقاطی از اجتماع یا جامعه‌ی خاص پراکنده نمی‌کنند. اما انسان هنگام انجام یک اقدام به عواقب و تاثیرات آن کار بر دیگران توجه دارد و انجام هرکار را با توجه به تاثیرش بر مجموعه‌ها و عناصر دیگر هستی (انسان، حیوانات، گیاهان، جمادات و ...) در نظر می‌گیرد و البته بدیهی است انسانی هم که باور دارد به وجود عالم غیب و حیات انسان پس از مرگ و ... در اقدامات خود علاوه بر موجودات مادی، موجودات غیرمادی را در تاثیر و تاثرات نسبت به کارهای خود در نظر می‌گیرد.

۹) برای مدیریت «حق، وظیفه و ارتباطات» کدام رهنمود حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌تواند مبنای تنظیمات «سیستم زندگانی» باشد؟

پاسخ: بر اساس آن روایت حضرت که می‌فرمایند «الجار ثم الدار»، یعنی اولویت توجه و رسیدگی ابتدا با مجاوران و سپس با خود است. بر این مبنا در ساختاربندهی زندگانی هم می‌بایست تنظیم و طراحی سیستم به گونه‌ای باشد که در تعیین و تنظیم عناصر، پدیده‌ها و موضوعات بیرونی‌تر نسبت به پدیده‌های داخلی و درونی تقدم تنظیم داشته باشند. این امر در نگرش سیستمی بدین معناست که برای تعریف و تعیین حقوق و وظایف و در تنظیم ارتباطات انسان با دیگر اجزای سیستم زندگانی (جامعه) می‌بایست نخست هر یک از عناصر هفتگانه‌ی سیستم زندگانی خود را (ورودی، خروجی، بازخورد، کنترل، مرز، محیط) با این رویکرد و اولویت بندی تنظیم و تعیین کنیم که ابتدا شش مولفه (عوامل موثره)‌ی دیگر (غیر از خود، که مرکز فرآیند است) به ترتیب از بیرونی‌ترین عنصر (محیط) به سمت درونی‌ترین عناصر مجاور (ورودی و خروجی) تعیین و تعریف شود و به همین ترتیب، نیز ابتدا ارتباطات خود با دیگر بخش‌های سیستم تعیین و تنظیم شود. یعنی می‌بایست برای تعیین و تعریف مولفه‌ها یا عناصر سیستم، لایه به لایه از دورتر به نزدیکتر بهر دایم تا در آخرین مرحله، برسیم به تعیین و تعریف و تنظیم عنصر نهایی یعنی خود (مرکز فرآیندهای درونی) که در متن روایت حضرت می‌توان آن را با واژه‌ی خانه (الدار) تطبیق داد.

مثال: مراحل تاسیس و راه اندازی یک کارخانه یا سازمان (در نگرش سیستمی) به ترتیب زیر تعریف، تعیین و اجرا می‌شود:

- ۱- **محیط:** کسب مجوزهای اولیه‌ای که در بالاترین سطح معلوم کند حقوق و وظایف سازمان با کدام ساختارهای کلان (وزارتخانه، دولت، ...) مرتبط است
- ۲- **مرز:** تعیین محل دقیق تاسیس بنای مجموعه و محدوده‌های فیزیکی ساختمان و مالکیتی سازمان و تعریف حقوق وظایفش با پیرامون.
- ۳- **هدف:** ابلاغ درون سازمانی آیین نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، برنامه‌های اجرایی و قواعد نظارتی که قبلاً تاییدیه اش را از محیط دریافت نموده.
- ۴- **خروجی:** از آنجا که طبق قاعده‌ی «جار» وظایف سیستم (حقوقی دیگران) بر حقوق سازمان (وظایف دیگران) مقدم هستند، بنابراین ابتدا می‌بایست استانداردهای خروجی سازمان را معلوم کنیم (مثلاً کیفیت و قیمت کالا یا خدماتی که می‌بایست به مشتری ارائه شود چیست).
- ۵- **بازخورد:** برای اینکه سازمان از رعایت استانداردهای خروجی خود اطمینان یابد چه قواعد و تجهیزات نظارتی را در خط تولید ایجاد کند.
- ۶- **ورودی:** برای تولید خروجی (ردیف ۵) سازمان نیازمند تامین و دریافت چه ورودی‌هایی (مواد اولیه، منابع سازمانی و ...) است.
- ۷- **فرآیند:** اینک پس از تعیین و تنظیم گام به گام اولویت‌بندی شش‌گانه‌ی فوق می‌توان با شفافیت و اطلاع کاملی که از ملزومات کلی و جزئی سیستم داریم فرآیندهای درونی سازمانی را نیز به دقت تدوین، تنظیم و اجرا کنیم.



۱۰) بیست و پنج مورد از حقوق مندرج در رساله‌ی حقوق امام سجاد (علیه السلام) را فقط نام ببرید؟

پاسخ: از ۵۰ مورد حقوق زیر ۲۵ مورد به دلخواه نوشته شود (فقط عنوان کافی است)

۱- حق الله ۲- حق نفس بر انسان ۳- حق زبان ۴- گوش ۵- چشم ۶- پا ۷- دست ۸- شکم ۹- غریزه شهوت ۱۰- نماز ۱۱- روزه
۱۲- صدقه ۱۳- حج ۱۴- قربانی ۱۵- فرمانروا ۱۶- آموزگار ۱۷- حق دانش آموز ۱۸- حق مالک ۱۹- رعیت ۲۰- همسر ۲۱- برده و غلام
۲۲- مادر ۲۳- پدر ۲۴- فرزند ۲۵- برادر ۲۶- مولا بر بنده آزاد شده او ۲۷- بنده آزاد شده بر مولا ۲۸- احسان کننده ۲۹- موذن
۳۰- امام جماعت ۳۱- همنشین ۳۲- حق همسایه ۳۳- دوست ۳۴- شریک ۳۵- ثروت ۳۶- حق بستانکار ۳۷- معاشر ۳۸- طرفین
دعوا ۳۹- مستشیر ۴۰- مشاور ۴۱- نصیحت خواه ۴۲- نصیحت کننده ۴۳- بزرگسالان ۴۴- خردسال ۴۵- سائل ۴۶- مسئول ۴۷- شخص
شادمان کننده ۴۸- بدی کننده ۴۹- هم کیش ۵۰- حق اهل ذمه

۱۱) تعریف مغالطه و بیان تفاوتش با سفسطه.

پاسخ: مغالطه یکی از مقولات مربوط به تفکر انسان است که در علم منطق «به کارگیری دلیل نادرست در روند استدلال» مغالطه یا مغلطه گفته می‌شود و بر تمام دستاوردها و کارکردهای فکری، رفتاری، گفتار او موثر است. به بیان دیگر مغالطه بخشی از برهان است که ثابت می‌شود منطقش اشکال دارد و بنابراین کل برهان را بی اعتبار می‌کند.

شکل گیری مغالطه به دو صورت رخ می‌دهد:

- ۱- دست کم یکی از مقدمات گزاره نادرست باشد.
- ۲- مقدمات گزاره، دربرگیرنده ی نتیجه گزاره نباشد.

۱۲) دسته‌بندی‌های کلی هفتگانه‌ی مغالطات را فقط نام ببرید. (فقط ۷ عنوان سرشاخه ی اصلی)

پاسخ:

- ۱- مغالطات در مقام نقد ۲- مغالطات در مقام نقل ۳- مغالطات در مقام دفاع
- ۴- ادعاهای بی استدلال ۵- مغالطات بی دقت گمراه ساز ۶- مغالطات ابهامی
- ۷- مغالطات در مقام استدلال (سه زیرگروه: ربطی- پیش فرض نادرست- شکلی یا صوری)

۱۳) مغالطه‌ی «تله گذاری» و «مسموم کردن چاه» را شرح دهید.

پاسخ:

مغالطه تله گذاری: فرد مغالطه گر یک صفت نیکو و پسندیده را به موافقان مدعای خودش و یا مخاطبانی که آن مدعا را بپذیرند نسبت می‌دهد.

مغالطه ی مسموم کردن چاه: فرد مغالطه گر یک صفت نکوهیده و ناپسند را به موافقان مدعای خودش و یا مخاطبانی که آن مدعا را نپذیرند نسبت می‌دهد.

۱۴) خطای هاله ای و خطای شاخ چیست؟

پاسخ:

اثر هاله‌ای یک گونه از انواع سوگیری های شناختی است که باعث می‌شود وجود یک ویژگی مثبت در یک فرد، سازمان، برند، پدیده (مانند زیبایی، انضباط، پاکیزگی، شوخ طبعی، کیفیت، ... بر قضاوت کلی و یا داوری ما از دیگر جنبه های آن فرد یا پدیده از شخص، برند یا محصول تأثیر مثبت بگذارد و بدون داشتن اطلاع از آن ویژگی های درباره ی آن پیش داوری کنیم. اگر همین حالت و تعمیم قضاوت نابه جا درباره ی یک ویژگی بد باشد به آن خطای شاخ (horn) گفته میشود.

۱۵) تشریح چرخه سلوک زندگانی و چرخه دمینگ و مقایسه تطبیقی آن دو با هم.

پاسخ:

چرخه سلوک روزانه از چهار مرحله تشکیل شده: مشارطه-مراقبه-محاسبه-معاقبه

مشارطه: صبح هنگام بیداری با خداوند عهد میکنم که امروز تا پایان شب، گناهان خاصی را انجام ندهم یا کلاً گناه نکنم و شرط میکنم که در صورت ارتکاب هرگناه، برایش جزایی معین داشته باشم که در پایان روز و قبل از خوابیدن طبق آن (عقوبت مشروط) انجامش دهم. مثلاً پرداخت مبلغی برای رفع آن حق یا عذرخواهی بابت حق الناس پیش آمده یا انجام عبادتی در قبال آن....

مراقبه: در طول روز مراقب این شرط خود هستم و هر مورد عهدشکنی پیش آید را در حافظه یا کاغذی نگه می دارم.

محاسبه: شب در بستر و قبل از به خواب رفتن موارد متخطی شده را بررسی و محاسبه میکنم

معاقبه: طبق آنچه در آغاز روز، در شرط تعیین شده با خدا عهد کرده بودم جزای هریک لغزش ها و گناهان را (لفظی، مادی، عملی...) به صاحبان حق و دیون (خدا، خود، خلقت) به جا می آورم.

چرخه دمینگ: توسط ادواردز دمینگ تعریف شده و علم مدیریت کاربرد فراوان دارد.

طبق این چرخه در مدیریت ساختاری کارها چهار مرحله ی کلی تعریف می شود: Plan-Do-Check-Act

Plan (طراحی و تدوین قواعد اجرای کار: معادل مشارطه

Do) اقدام به کار همراه با رعایت قواعد: معادل مراقبه

Check) بازنگری و بررسی اقدامات انجام شده به منظور رفع اشکالات: معادل محاسبه

Act) اقدام به رفع اشکالات: معادل معاقبه



۱۶) نمره ی آزمون خود را (از عدد کل ۲۰) چند ارزیابی می فرمایید؟

- اگر حدس شما کمتر از ۵/۰ نمره با نمره موجود در برگه اختلاف داشته باشد (۱) نمره به نتیجه کل برگه افزوده خواهد شد.
- اگر حدس شما بیش از (۱) نمره با نمره موجود در برگه اختلاف داشته باشد (۵/۰) نمره از نتیجه کل برگه کاسته خواهد شد
- اگر این پرسش را بی پاسخ بگذارید، همان نمره ی موجود در برگه، به شما تعلق خواهد گرفت.

پرسش پایانی حتما در برگه ی آزمون خدمتتان ارائه خواهد شد
تا آخرین درس دوره را هم آموخته باشیم: درس «شهادت، صداقت و انصاف»
همیشه دوستدار شما عزیزان: «عباس موزون»